

عنوان مقاله:

تاثیر نظریه های ضمنی هوش بر خودکارآمدی عمومی در دانشجویان: نقش واسطه ای کمال گرایی خودارزیابانه و وظیفه شناسانه

محل انتشار:

فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، دوره 19، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسندگان:

مجید غفاری - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه مازندران

ندا صفری - دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه مازندران

خلاصه مقاله:

هدف پژوهش، آزمون یک الگوی مفهومی برای نقش واسطه ای کمال گرایی در تاثیر نظریه های ضمنی هوش بر مولفه های خودکارآمدی عمومی در دانشجویان بود. تعداد 382 نفر دانشجوی دختر (دامنه سنی 18-23 سال) با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای از دانشگاه مازندران انتخاب شدند و به مقیاس نظریه های ضمنی هوش (عبدالفتاح و بیتس، 2006)، سیاهه کمال گرایی (هیل و همکاران، 2004) و مقیاس خودکارآمدی عمومی (شرر و همکاران، 1982) پاسخ دادند. استفاده از برآورد حداکثر درست نمایی و روش خودگردان سازی و یافته های حاصل از مدل سازی معادلات ساختاری نشان داد که تاثیرات مستقیم باورهای ضمنی افزایشی بر نظم و سازمان دهی، برنامه مداری و تلاش برای عالی بودن و باورهای ضمنی ذاتی بر نگرانی از اشتباهات و نیاز به تایید دیگران، مثبت و معنی دار بود. همچنین، نظم و سازمان دهی، برنامه مداری و تلاش برای عالی بودن (مولفه های کمال گرایی وظیفه شناسانه)، در تاثیر باور ضمنی افزایشی در مورد هوش بر مولفه های خودکارآمدی عمومی نقش واسطه ای داشتند. نگرانی از اشتباهات و نیاز به تایید (مولفه های کمال گرایی خود-ارزیابانه) در تاثیر باور ضمنی ذاتی در مورد هوش بر مولفه های خودکارآمدی عمومی، نقش واسطه ای داشتند ($p < 05/0$).

کلمات کلیدی:

نظریه ضمنی، هوش، کمال گرایی، باورهای خودکارآمدی، دانشجویان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/886589>

